هیبریدی‌ها (قسمت ۲)

از این ویرانی جلوگیری کنیم

فرشاد توماج*

● دلیل افزایش تعرفه خودروهای هیبریدی چیست؟ اولین و شاید نزدیک‌ترین انگیزه افزایش درآمد دولت از محل افزایش تعرفه است. دلیل دوم هم شاید اخباری است که حاکی از برنامه‌ریزی برای مونتاژ یک خودروی هیبریدی در داخل کشور هستند. چند نکته درباره این دو دلیل شایان ذکر است:

انگیزه اول، افزایش درآمد؛ بنا بر گزارش خبرگزاری فارس، در سال گذشته دوهزارو ۸۵۰ خودروی هیبریدی به ارزش ۸۰ میلیون دلار وارد شده است. با درنظرگرفتن افزایش تعرفه ۳۵درصدی، دولت می‌تواند ۲۸ میلیون دلار، کمی بیشتر از ۱۱۷ میلیارد تومان، با فرض ثابت‌ماندن عدد واردات از این افزایش تعرفه درآمد کسب کند؛ اما این همه داستان تعادل درآمد و هزینه دولت نیست. با توجه به قیمت جهانی بنزین، دولت ۶۰۰ تا ۸۰۰ تومان سوبسید مستقیم از محل بودجه به هر لیتر بنزین اختصاص می‌دهد که با توجه به روزانه ۸۸ میلیون لیتر مصرف، عددی بالغ بر ۶۱ میلیارد تومان در هر روز خواهد شد.

از طرف دیگر، با توجه به میانگین ۱۴لیتر/۱۰۰کیلومتر مصرف یک اتومبیل با تکنولوژی به‌روز در حالت ترافیک (این عدد می‌تواند تا ۱۸ لیتر هم باشد)، با توجه به بهره‌وری ۵۰درصدی خودروی هیبریدی در حالت ترافیک، یک اتومبیل بنزینی می‌تواند حدود یک‌میلیون‌و ۵۰۰ هزار تومان بیشتر از هیبریدی سالانه از محل بودجه یارانه سوخت دریافت کند. این در کنار هزینه‌های میلیاردی کلانی است که دولت مستقیما یا شهرداری‌ها به صورت غیرمستقیم صرف طرح‌های بسیار کم‌بازده‌تر برای مدیریت آلودگی شهرها می‌کنند، یا آسیب‌هایی که سالانه از محل آلودگی نصیب کشور می‌شود. به‌طوری‌که برای مثال، در سال جاری و به ادعای مدیرعامل شرکت کنترل کیفیت هوا، این شهر حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان آسیب از محل آلودگی هوا خورده است. با توجه به دو بند یادشده، شاید از قِبل افزایش تعرفه، دولت بتواند با افزایش آن، اندکی درآمد کسب کند؛ منتها این درآمد در برابر آنچه از جیب دولت در بخش‌های دیگر می‌رود، ناچیز یا حتی ضرر است.

انگیزه دوم، حمایت از تولید داخلی؛ دو خودروسازی سایپا و ایران‌خودرو ادعا کرده‌اند به‌زودی خط تولید و مونتاژ دو خودروی هیبریدی را در داخل راه‌اندازی خواهند کرد. فارغ از اینکه هدف‌گذاری این دو شامل سال آینده نخواهد شد (سایپا ۲۰۱۹ و ایران‌خودرو ۲۰۲۰) و فارغ از اینکه کیفیت تولید در بحث خودروهای هیبریدی بسیار حساس‌تر از خودروهای احتراقی است و همان‌قدر که تعرفه و رانت به نفع کیفیت خودروهای داخلی شد، شامل این هم می‌شود، افزایش ۶۰ میلیون‌تومانی قیمت خودروی هیبریدی وارداتی، نمی‌تواند باعث تحریک انگیزه تولید داخلی شود؛ چراکه با توجه به پیچیدگی‌های تکنیکی تولید و سرمایه‌گذاری، همچنین ازدست‌رفتن تبعیض مثبت قیمتی، باعث شیفت سرمایه به تولید بیشتر خودرو احتراقی می‌شود. اگر انگیزه دولت این است، این مجموعه راه بسیار پرضرر و اشتباهی انتخاب کرده است.

مجموعه این سیاست‌های بودجه‌ای به چه منتهی خواهد شد

مجموعه قوانین را باید در کنار هم خواند تا تصویری را از تأثیری که بر جامعه می‌گذارند، به دست آورد. در کنار تصمیم دولت برای افزایش تعرفه خودروهای هیبریدی، باید مصوبه کمیسیون تلفیق درباره تثبیت قیمت بنزین در سال آینده را هم در نظر داشت. به عبارتی، با توجه به تورم سالانه، عملا مجلس تصمیم گرفته است دولت را مجبور به ارزان‌فروشی بنزین کند. نتیجه اینکه دولت و مجلس متفق‌القول مردم را به استفاده بیشتر از خودروهای بنزینی و مصرف بیشتر آن و تولید بیشتر آلاینده سوق خواهند داد و این یعنی فاجعه‌ای برای سلامت در سال آینده.

چه می‌توان کرد

راه‌حل ساده است؛ محیط زیست از وعده‌هایی بود که دولت حسن روحانی بر اساس آن از ملت رأی گرفته است. دولت نباید به این بخش به چشم درآمد اضافه نگاه کند که هیچ، باید برای بهبود زیرساخت‌های آن هزینه نیز در نظر بگیرد. دولت در اولین گام، باید این تغییر را اصلاح کند؛ به قسمی که حتی تبعیض مثبت فعلی تقویت شود. از طرفی می‌تواند با ایجاد سیاست‌های تحمیلی هزینه‌زا به بخش تولید خودروهای بنزینی و تشویق تولیدکنندگان خودروهای هیبریدی، بازار ایران را حتی برای مونتاژ و تولید نیز جذاب کند؛ دقیقا مشابه سیاستی که چین به شدت پیگیر آن است و قرار است بر آینده این صنعت حکمرانی کند. با توجه به عمر کوتاه این تکنولوژی و امکانی که برای توسعه وجود دارد، ایران می‌تواند یکی از پیشگامان این عرصه باشد و از فواید مالی و استراتژیک سیاسی آن بهره‌مند شود؛ البته اگر ذهنیت مسئولان کمی بلندمدت‌تر باشد و برنامه‌ریزی انجام شود.

*کارشناس بخش تحقیق و توسعه خودروسازی ولوو

اثرات تبدیل ۶ میلیارد دلار منابع صندوق توسعه به ریال در گفت‌وگو با بایزید مردوخی بررسی شد

رانت، پیامد ریال‌پاشی صندوق توسعه

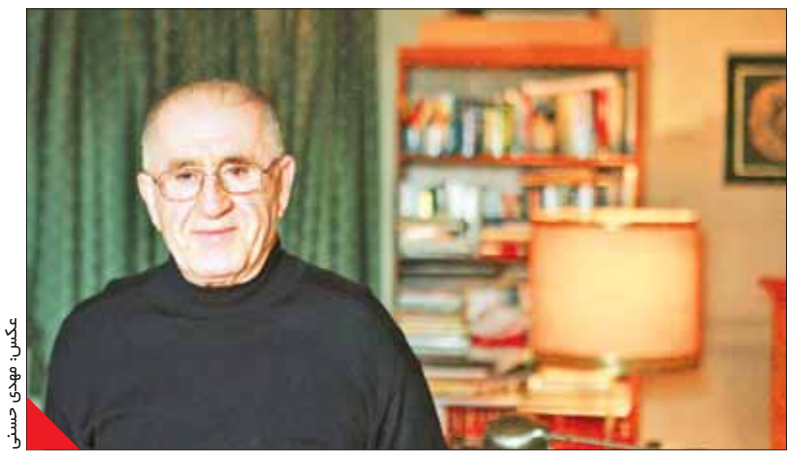

عکس: مهدی حسنی

ارمغان جوادنیا: مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با عنوان لایحه بودجه ۹۷، در بخش «برداشت از منابع صندوق توسعه ملی و ملاحظات سیاست‌گذار پولی و ارزی» آورده است که تأسیس صندوق توسعه ملی و تخصیص منابع ارزی آن به بنگاه‌های اقتصادی برای تأمین کالاهای سرمایه‌ای به صورت ارزی این نوید را می‌داد که اولا وابستگی بودجه ریالی دولت به ارز حاصل از صادرات، نفت، گاز و میعانات گازی به مرور زمان کاهش پیدا کند و ثانیا اختیارات بانک مرکزی برای اتخاذ سیاست‌های پولی و ارزی مستقل گسترش یابد. اما دست‌اندازی دولت به منابع ارزی صندوق توسعه ملی برای تأمین مخارج ریالی یا سپرده‌گذاری ریالی منابع صندوق در بانک‌ها تحقق این دو هدف مهم را ناممکن کرد. بر این اساس؛ در بندهای «الف» و «و» تبصره «۴» لایحه بودجه حدود شش میلیارد دلار از منابع صندوق برای مصارف ریالی تخصیص داده شده است که حدود ۳۶ درصد از منابع ورودی صندوق توسعه ملی در سال ۱۳۹۷ است. در انتهای هریک از این بندها نیز تأکید شده که تبدیل دلار به ریال موضوع این بند زیر نظر بانک مرکزی صورت می‌گیرد. همچنین در بندهای مختلف تبصره‌های «۴»، «۱۸» و «۱۹» نیز بالغ بر ۲۵۰ هزار میلیارد ریال تکلیف برای منابع صندوق به صورت پرداخت تسهیلات ذکر شده است. مفاد این بندها نیز در تعارض صریح با مفاد سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه کشور، اساسنامه صندوق (ماده (۱۶) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور) و سایر قوانین مرتبط درخصوص نوع و کیفیت مصارف صندوق است. اگرچه در احکام مزبور بیان شده است که تبدیل ارز به ریال با نظارت بانک مرکزی صورت خواهد گرفت، اما این تکالیف ریالی یا به افزایش پایه پولی منجر خواهد شد یا از افزایش نرخ اسمی ارز جلوگیری خواهد کرد و درصورتی‌که بیش از نیاز اقتصاد باشد، تبعات تورمی دارد و جلوگیری از افزایش نرخ اسمی ارز، کاهش صادرات و افزایش واردات را در پی خواهد داشت که تولید و اشتغال کشور را در وضعیت رکود کنونی با مخاطرات جدیدتری مواجه خواهد کرد. پیشنهاد می‌شود، براساس اساسنامه صندوق، منابع ریالی مزبور برای توسعه سرمایه‌گذاری در کشور و همچنین رونق‌بخشی به صادرات تخصیص یابد. در این صورت ضمن رونق کسب‌وکار و افزایش تولید و اشتغال، بانک مرکزی نیز در سیاست‌گذاری پولی و ارزی خود، آزادی عمل بیشتری خواهد داشت که در نهایت به بهبود وضعیت اقتصادی کشور منجر خواهد شد. بر این اساس ضروری است تکالیف ریالی صندوق از لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ موضوع بندهای «الف»، «هـ»، «و»، «ز» تبصره «۴» حذف شود. این گزارش در حالی است که برداشت از صندوق توسعه ملی نسبت به سال جاری افزایشی حداقل ۱۵۲درصدی خواهد داشت که این موضوع از نگاه کارشناسان تبعات زیادی دارد. بایزید مردوخی، عضو سابق هیئت امنای حساب ذخیره ارزی نیز این موضوع را مغایرت با هدف توسعه ذکر کرده و در گفت‌وگو با «شرق» توضیح داده است؛ در این صورت مانند افزایش بودجه دولت عمل خواهد کرد که اگر برداشت‌ها صرف سرمایه‌گذاری شود، عینا مثل تخصیص منابع از طریق بودجه دولت برای کارهای سرمایه‌گذاری خواهد بود و اثر مثبتی دارد اما در یک ماهیت جدا از ماهیت اولیه‌اش. اما صرف هزینه‌های جاری می‌شود و تسهیلات سرمایه در گردش می‌دهد که نقش سود تسهیلات سیستم بانکی را در اقتصاد دارد و ممکن است به واحدهای موجود منابع تزریق کند که سرپا بمانند. در این صورت حتی خاصیت تأمین منابع از بودجه دولت را هم ندارد و تبدیل به نوعی رانت می‌شود.

تبدیل منابع صندوق توسعه به ریال مانند افزایش بودجه دولت خواهد بود که صرف هزینه‌های جاری می‌شود و به تسهیلات سرمایه در گردش اختصاصی می‌دهد. در این صورت حتی خاصیت تأمین منابع از بودجه دولت را هم ندارد و تبدیل به نوعی رانت می‌شود

◄ براساس جدول بند «و» تبصره ۴ ماده‌واحده لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ برداشت از صندوق توسعه ملی نسبت به سال جاری افزایشی حداقل ۱۵۲درصدی خواهد داشت. این موضوع نگرانی‌ها درباره دچارشدن این صندوق به سرنوشت حساب ذخیره ارزی را افزایش داده است. به نظر شما این رشد سالانه‌ای که در دست‌اندازی به منابع صندوق می‌شود و کارشناسان همواره نسبت به آن هشدار می‌دهند؛ چه عواقبی برای اقتصاد دارد؟

صندوق توسعه ملی یک نهاد بسیار ارزشمند و قابل مقایسه با ایجاد سازمان برنامه در حدود ۶۰، ۷۰ سال پیش بود که هدف هر دو آنها استفاده از درآمدهای حاصل از صادرات نفت برای سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و تولید بود. این نهاد که از برنامه سوم توسعه به نام حساب ذخیره ایجاد شده بود و بعد به صندوق توسعه ملی تبدیل شد، با همان هدف و آرزو به وجود آمد تا نیازهای ارزی توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران را تأمین کند. به این معنا که اگر اجرای طرح‌های زیربنایی هزینه ارزی دارند، از این محل استفاده شود که در این بخش از بودجه دولت تأمین می‌شد اما هم‌اکنون تکلیف درآمدهای حاصل از نفت و گاز در قانون روشن شده است. به این صورت که ۱۴.۵ درصد برای همه هزینه‌های سرمایه‌گذاری به شرکت ملی نفت ایران، ۳۰ درصد به صندوق توسعه ملی اختصاص می‌یابد و مابقی در بودجه دولت می‌آید که ربطی به صندوق توسعه ملی ندارد. اما صندوق توسعه ملی در سال اول ۳۰ درصد و در سال‌های بعد با درصدی افزایش باید از محل درآمد نفتی برای سرمایه‌گذاری‌های تولیدی در بخش غیردولتی تجهیز منابع کند. این جهت‌گیری می‌توانست به توسعه صنعتی کشور کمک کند.

البته ناگفته نماند که تا حدودی هم از آغاز تأسیس این نهاد به صورت حساب ذخیره ارزی و بعد صندوق توسعه ملی کمک‌هایی کرد. متأسفانه در برنامه ششم توسعه تقریبا در هر هدف‌گذاری از برنامه، پیش‌بینی کردند بخشی از منابع صندوق توسعه ملی باید تأمین شود و این به معنای تبدیل صندوق توسعه ملی به یک خزانه فرعی در کنار خزانه کشور است. در نتیجه می‌توان گفت صندوق توسعه ملی با آن اهداف دیگر وجود ندارد. حالا چه در بودجه و چه در برنامه تکالیفی برای این صندوق تعیین شده که گمان می‌کنم خاصیت اصلی این نهاد را از بین برده است.

◄ پس با این توضیحاتی که اشاره کردید، رشد سالانه‌ای که در دست‌اندازی منابع می‌شود، تبعات زیادی هم به دنبال خواهد داشت؟

این موضوع با هدف توسعه ملی مغایرت دارد و ماهیت صندوق توسعه ملی نسبت به شکل اولیه‌اش تغییر می‌کند.

◄ مثلا چه تبعاتی؟

مثل خزانه دولت کار می‌کند. با این تفاوت که خزانه دولت وام و حتی تسهیلاتی ارائه می‌کند، اما صندوق توسعه ملی تسهیلات سرمایه در گردش نمی‌دهد. این صندوق مجوزی برای تبدیل دلار به ریال نداشت. همچنین این مجوز را نداشت که بر اساس شکل اولیه‌اش به‌جای دولت منابع برای خیلی از کارها را تأمین کند.

◄ تبدیل منابع این صندوق به ریال چه پیامدهای اقتصادی‌ای دارد؟

وقتی صندوق توسعه ملی برای این کار مجوز دارد، حتما برای تبعات آن هم فکری شده است. شاید ضرورتی نباید داشته باشد که نگرانش باشیم.

◄ خب چه پیامدهایی دارد؟

مانند افزایش بودجه دولت خواهد بود؛ به‌عنوان‌مثال، اگر بودجه دولت را افزایش دهیم، بسته به اینکه صرف سرمایه‌گذاری یا امور جاری شود آثار آن متفاوت است. اگر این برداشت‌ها صرف سرمایه‌گذاری شود، عینا مثل تخصیص منابع از طریق بودجه دولت برای کارهای سرمایه‌گذاری است و اثر مثبتی نیز دارد، اما در یک ماهیت جدا از ماهیت اولیه‌اش، اما صرف هزینه‌های جاری می‌شود و تسهیلات سرمایه در گردش می‌دهد که نقش سود تسهیلات سیستم بانکی را در اقتصاد دارد و ممکن است به واحدهای موجود منابع تزریق کند که سرپا بمانند. در این صورت حتی خاصیت تأمین منابع از بودجه دولت را هم ندارد و تبدیل به نوعی رانت می‌شود.

◄ در قانون اصلاح بانک مرکزی پیشنهاد شده به‌جای صندوق توسعه، صندوق ثبات‌ساز داشته باشیم تا جریان ورودی ارز را با قوانین سخت‌گیرانه کنترل کند. به نظر شما این صندوق می‌تواند مؤثر واقع شود؟

هرچند هدف‌هایی در نظر است که می‌تواند به آن جامه عمل بپوشاند، اما ربطی به صندوق توسعه ملی ندارد. اگر صندوق توسعه ملی قرار است به چنین سیستمی تبدیل شود بحث دیگری است؛ یعنی دیگر نباید خواص صندوق توسعه ملی را برای آن انتظار داشت که به تشکیل سرمایه در بخش غیردولتی کمک کند.

◄ اما فکر نمی‌کنید برای کنترل ورودی و خروجی ارز مفید باشد؟

قطعا جریان ورودی و خروجی ارز کشور حتما سازماندهی و نظام می‌خواهد که اگر صندوق جدید بتواند مشکلات موجود را برطرف کند حتما مفید خواهد بود.

◄ اما نمی‌تواند جای صندوق توسعه عمل کند؟ درست است؟

به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند.

◄ برای اینکه کمترین آسیب به صندوق زده شود، چه مؤلفه‌هایی را باید رعایت کرد؟

خیلی ساده است؛ می‌توان به ماده ۶۰ قانون برنامه سوم و ماده یک قانون برنامه چهارم توسعه بازگشت و مشکلاتی را که صندوق توسعه با آن روبه‌رو شده بود برطرف کرد، اما هدف آن باید سر جای خود باقی بماند. کشورهای مختلفی مانند روسیه، نروژ و کشورهای عربی همگی صندوق توسعه ملی را از محل درآمدهای نفت ایجاد کردند، اما ما به دلیل اضطرار و اجرای پروژه‌های عظیمی که در برنامه داشتیم و نمی‌توانستیم از محل بودجه دولتی این کارها را انجام دهیم با فشارهای زیادی که به ماهیت قانونی صندوق توسعه ملی وارد کردیم صندوق را از وظایف اصلی خود خارج کردیم.

◄ مثلا چه مشکلاتی؟

بخش خصوصی فقط کمک می‌کند برای تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاری مولد، نه برای واحدهای موجود. واحدهای موجود به تسهیلات جاری نیاز دارند و سیستم بانکی باید پرداخت کند، بنابراین چون این سیستم کوتاه آمده یا امکانات نداشته است آن را به نام تولید به گردن صندوق توسعه ملی انداخته‌اند. حتما کمک به تولید است، اما تولید واحدهای جاری که اشتغال و رشد هم ایجاد نمی‌کند.

◄ دولت معتقد است که به دلیل کسری بودجه بالا ناگزیر است دست به صندوق توسعه ملی ببرد. به نظر شما چه راهکاری وجود دارد تا ماهیت صندوق توسعه حفظ شود؟

اصلاحات بسیار وسیعی در نظام بودجه‌ریزی کشور و از همه مهم‌تر نظام اداری و هزینه‌های جاری کشور لازم است. باید دید هزینه‌های جدیدی که کل درآمد نفت و مالیات نمی‌تواند از عهده آن برآید چه هستند؟ و راجع‌به آن قدم‌به‌قدم تصمیم‌گیری شود؛ همان‌طور که دولت فعلی در مورد جدول شماره ۱۷ لایحه بودجه عمل کرده، دراین‌باره نیز عمل کند. در جدول شماره ۱۷ لایحه بودجه بررسی مواردی که توجیه داشته حفظ شده و منابع هم برای آن گذاشته شده است، اما آنهایی که توجیه و قابلیت نظارت نداشته حذف شده است. بنابراین به‌دنبال ساده‌ترین راه که برداشت از صندوق توسعه ملی است، نرویم.

صندوق، نقشی در تخصیص تسهیلات ریالی ندارد

صندوق توسعه ملی با انتشار گزارشی اعلام کرد تا انتهای شهریور سال جاری معادل ۳۶ میلیارد دلار تسهیلات ارزی پذیرش شده و صندوق نقشی در تخصیص تسهیلات ریالی ندارد. به گزارش روابط عمومی صندوق توسعه ملی از ابتدای تأسیس صندوق، بخشی از منابع بر اساس تکالیف قانونی به تسهیلات ریالی اختصاص یافته است. این تسهیلات تا انتهای سال ۱۳۹۳ از طریق قرارداد عاملیت ریالی با بانک‌های عامل پرداخت شده است و از ابتدای سال ۱۳۹۴ و در اجرای حکم ماده ۵۲ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم‌بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، صندوق نسبت به سپرده‌گذاری ریالی در بانک‌های دولتی و خصوصی برای اعطای تسهیلات ریالی به طرح‌های اقتصادی موضوع این حکم، اقدام کرده است. به بیانی صندوق صرفا به توزیع سپرده‌های ریالی اقدام می‌کند و نقشی در تخصیص موردی تسهیلات به طرح‌ها و فعالیت‌ها ندارد و مسئولیت این کار (در چارچوب شرایط و ضوابط تعیین‌شده) برعهده بانک‌های سپرده‌پذیر است. از محل قراردادهای عاملیت ریالی، مبلغ ۱۱۸،۸۳۹ میلیارد ریال به طرح‌ها و پروژه‌های معرفی‌شده از طرف بانک‌های عامل، اختصاص یافته است که تا پایان شهریور ۱۳۹۶، از مجموع مبلغ ۱۱۸،۸۳۹ میلیارد ریال پرداختی به بانک‌ها، مبلغ ۶۷،۵۴۸ میلیارد ریال به صندوق بازپرداخت شده و از اصل مبالغ پرداختی، مبلغ ۵۱،۲۹۱ میلیارد ریال نزد بانک‌ها به‌عنوان تسهیلات جاری باقی‌مانده است. همچنین از ابتدای سال ۱۳۹۶ تا تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۳۱ در اجرای حکم ماده ۵۲ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم‌بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، صندوق نسبت به سپرده‌گذاری در بانک‌های دولتی و خصوصی جهت اعطای تسهیلات ریالی به طرح‌های اقتصادی، اقدام کرده است. میزان سپرده‌گذاری‌های انجام‌شده توسط صندوق در بانک‌های دولتی و خصوصی در بازه شش‌ماهه ابتدایی سال جاری، جمعا برابر ۴۲،۰۹۴ میلیارد ریال بوده است.

خبر

تعیین تکلیف مطالبات تأمین اجتماعی در بودجه سال آینده

● مدیرکل فرهنگی و اجتماعی کارفرمایان سازمان تأمین اجتماعی با اشاره به اینکه مطالبات سازمان تأمین اجتماعی در صورت وصول، نقطه سربه‌سری صندوق را به عقب می‌اندازد، گفت: مطالبات سازمان تا پایان سال ۹۴ مورد توافق دولت و مجلس قرار گرفته و در بودجه سال ۹۷ نیز نحوه پرداخت آن دیده شده است. رضا معینی، در حاشیه برگزاری پنل آموزشی مقررات بیمه‌ای به تعاونی‌ها، با اشاره به اینکه چالش‌های صندوق‌های بازنشستگی در دنیا مختص ایران نیست و همه کشورها با آن مواجه هستند، به فارس گفت: برای حل این چالش‌ها موضوعاتی از قبیل افزایش سن بازنشستگی یا افزایش نرخ حق‌بیمه مطرح می‌شود؛ اما فعلا چنین چیزی در سازمان تأمین اجتماعی مطرح نیست. او افزود: حاکمیت باید نظام پایه را برای ارائه خدمات حمایتی به مردم بپذیرد تا بار مسئولیت آن را افراد پرداخت‌کننده حق‌بیمه بر عهده نگیرند.

چک سفید ۶۷ هزار میلیارد تومانی مجلس به دولت

● اصلاح‌نشدن بند «الف» تبصره ۱۸ لایحه بودجه سال ۹۷، به معنای اعطای چک سفید ۶۷هزارو ۴۰۰میلیاردتومانی از سوی مجلس به دولت به بهانه اشتغال است؛ زیرا بنا بر نظر مرکز پژوهش‌های مجلس، هیچ سازوکاری برای تخصیص این منابع در این بند وجود ندارد. به گزارش فارس، بدون تردید، بی‌کاری یکی از بزرگ‌ترین مشکلات اقتصادی کشور بوده به همین دلیل، اشتغال‌زایی همواره و به‌ویژه در سال‌های اخیر، جزء محورهای اصلی برنامه‌های دولت‌های مختلف بوده است. در همین راستا و همان‌طور که حسن روحانی، رئیس‌جمهور، در جلسه با مدیران ارشد وزارت امور اقتصادی و دارایی در تاریخ ۱۸ دی به‌صراحت بیان کرد، تبصره ۱۸ لایحه بودجه ۹۷، یکی از سه تبصره اصلی این لایحه است؛ زیرا به موضوع تأمین و تخصیص منابع لازم برای اجرای برنامه بزرگ دولت دوازدهم برای اشتغال‌زایی در سال آینده اختصاص دارد. مطابق با بند «الف» این تبصره، قرار است در مجموع ۶۷هزارو ۴۰۰ میلیارد تومان از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی، صندوق توسعه ملی و همچنین منابع شبکه بانکی، به اشتغال اختصاص داده شود.